

مبانی فقهی حقوق اسلامی، سال دهم، شماره بیستم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، ص ۱۴۳-۱۶۵

نسبت سنجی فقهی - حقوقی بخت آزمایی با قمار^۱

میشم نظری علوم^۲

دکترای تخصصی حقوق خصوصی، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران

محمدحسین اسفندیارپور^۳

کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران

چکیده

به رغم اتفاق نظر بر نامشروع بودن قمار در فقه و حقوق اسلامی، مفهوم، احکام و شرایط این اصطلاح در ادبیات حقوقی رایج مبهم و به تبع، تطبیق آن با نهادهای مشابه مانند بخت آزمایی دشوار است. این ابهام پیامدهای نامطلوبی دارد و اشخاص ممکن است در معاملات روزمره، عقود را بکار بگیرند که با قمار قرابت زیادی دارند و در نتیجه عقد باطل باشد. در پژوهش حاضر ضمن تبیین اجمالی قمار، بخت آزمایی به عنوان یکی از مصادیق احتمالی قمار، مورد بررسی قرار گرفته و از تطبیق میان دو نهاد مذکور چنین اصطیاد می شود که غالب مصادیق بخت آزمایی، به دلیل اشتراک با عناصر قمار مانند وجود وثیقه و مخاطره، داخل در مفهوم قمار بوده و باطلند. با این حال این قاعده بدون تخصیص نبوده و مواردی چون بخت آزمایی در قالب قرض و بخت آزمایی در قالب وکالت با لحاظ ساختار و ماهیت متفاوت خویش از قاعده فوق مستثنا هستند.

کلیدواژه‌ها: قمار، بخت آزمایی، لاتاری، مخاطره.

۱. تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۳/۲۲؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۹/۶

۲. پست الکترونیک: Safir.hedayat@gmail.com

۳. پست الکترونیک (مسئول مکاتبات): Mhes313@gmail.com

۱. مقدمه

قمار یکی از مفاهیم (قراردادهای) نامشروع از منظر فقه و حقوق اسلامی است و در این زمینه اتفاق نظر وجود دارد. علی‌رغم این اتفاق نظر، قمار در ادبیات رایج حقوقی مبهم بوده و حدود و ثغور آن مشخص نیست و در نتیجه تطبیق موضوعات مستحدثه با آن مانند بخت‌آزمایی دشوار است. در نتیجه بررسی مفهوم قمار و عنصر (عناصر) اساسی تشکیل‌دهنده آن ضروری است. هم‌چنین جهت تطبیق بخت‌آزمایی - که در این پژوهش از بین مصادیق احتمالی قمار برگزیده شده است - با قمار، لازم است به تبیین آن و سپس بر اساس مفهوم استخراج شده از قمار به صدر حکم اقسام آن پرداخته شود.

بنابراین در ابتدا به تبیین مفهومی قمار بر اساس اقوال فقهی موجود از منظر عنصرشناسی و سپس تبیین مفهوم و اقسام بخت‌آزمایی و در آخر تطبیق هر یک از اقسام آن با قمار پرداخته خواهد شد.

۱.۱. مفهوم‌شناسی قمار

۱.۱.۱. قمار در لغت

آن چیزی که از تعاریف لغت شناسان فارسی می‌توان نتیجه گرفت این است که:

۱. یکی از عناصر لغوی واژه قمار برد و باخت است. ۲. عنصر دیگر قمار، انتقال مال یا چیز دیگری است. ۳. عنصر احتمال و مخاطره یکی از عناصر قمار است که برخی به صراحت آن را ذکر کرده‌اند و برخی هم شاید آن را به دلیل مستتر بودن در برد و باخت ذکر نکرده‌اند. (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۱، ص ۱۵۶۴۹؛ معین، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۲۷۲۵؛ عمید، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۴۰۰) شبیه همین نتایج از برخی فرهنگ‌های عربی و فقهی به دست می‌آید. (محمود عبد الرحمان؛ بی‌تا، ج ۳، ۱۱۲؛ معلوف، ۱۹۸۶، ص ۶۵۳؛ سماحه، ۱۳۸۳، ص ۴۹۶؛ آذرنوش، ۱۳۸۶، ص ۵۵۹؛ عبدالواحد کرم، ۱۹۸۷، ص ۴۵۸؛ البعلبکی، ۲۰۰۲، ص ۱۵۶۶)

۱.۱.۲. قمار در فقه و حقوق

فقهای شیعه، تعاریف متعددی از قمار ارائه کرده‌اند که این تعاریف متفاوت بوده و دامنه موسع و مضیقی را در مورد قمار مطرح می‌سازد.

قدر متیقن تعریف قمار، بازی با آلات مشهور به قمار، همراه با قرار دادن وثیقه است. (شیخ أنصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۷۱؛ صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق، ج ۲۲، ص ۱۰۹؛ منتظری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۸۵؛ خوبی، بی تا، ج ۱، ص ۳۶۸) این معنای قدر متیقن، از سوی برخی اجماعی دانسته شده است. (امام خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۷)

توسعه مفهوم قمار به حالتی که وثیقه‌ای در کار نباشد، اختلافی است، هر چند ظاهراً در حرام بودن آن تردیدی نبوده و محل اتفاق است. (محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۲۴؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۱۱۷) اختلافات تعاریف به دلیل اختلاف در تعیین تکلیف موارد زیر است: ۱. بازی بودن یا نبودن ۲. وجود یا عدم وجود آلات معروف به قمار ۳. شرط کردن یا نکردن وثیقه برای برنده

در واقع در تفکیک دیگری شاید بتوان عناصر را به ۵ عنصر توسعه داد: ۱. هدف و انگیزه از انجام عمل (تفریح یا معامله) ۲. قالب عمل انجام شده (بازی یا معامله) ۳. وسیله انجام عمل و شهرت آن (آلات و ابزار خاص یا غیر آن) ۴. نتیجه عمل انجام شده - فارغ از شرط کردن یا نکردن وثیقه - (جابه‌جایی مال یا بدون دستاورد مالی) ۵. میزان احتمالات مختلف در عمل انجام شده (میزان مخاطره)

با مراجعه به فتاوی مختلف فقها به این نتیجه می‌رسیم که:

۱. قمار، ولو باطل، یک قرارداد است و تفاوتی نمی‌کند که صورت عرفی آن بازی باشد یا معامله. فقها نیز با این که در تعریف قمار از لفظ بازی استفاده کرده‌اند، آن را در باب کسب مورد بحث قرار داده‌اند. مؤید این امر فتاویی است که در آن قمار بودن عقدی، مورد بحث یا حکم قرار گرفته است که عرفاً صورت بازی ندارد. (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۲۱۲؛ محقق ثانی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۳۳۳؛ بجنوردی، ج ۱، ص ۲۴۷؛ مکارم شیرازی،

۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۱۶۰؛ منتظری، بی تا، ج ۳، ص ۲۲۱) در نتیجه بعید است بازی بودن یا نبودن رکن شناسایی قمار باشد.

۲. جابه‌جایی یا عدم جابه‌جایی مال، ظاهراً تفاوتی در حکم عمل مورد نظر ایجاد نمی‌کند. در واقع شرط کردن وثیقه رکن است نه تحقق وثیقه. این عنصر را از باب احصای همه عناصر بیان کردیم و عدم اعتبار آن از عدم ذکر در بیان هیچ از فقها مبرهن است. بنابراین خود انتقال مال نه شرط کردن وثیقه هم بعید است رکن قمار محسوب شود.

۳. در مورد انگیزه و هدف از انجام عمل هم باید گفت در تعریف حداقلی قمار، قطعاً انگیزه کسب مال در شرط کردن وثیقه مستتر است و تنها بحث زمانی است که قمار را عام با و بدون وثیقه تعریف کنیم. در این حالت انگیزه غیرمالی است، مانند تفریح که حکم اتفافی فقها بر تحریم است هر چند ممکن است تحریم را از باب قمار بودن ندانیم یعنی نتوانیم عمل را قمار فرض کنیم بلکه تنها حرام بودن آن مورد حکم است که این بحث در بیان برخی فقها وجود دارد. در هر حال اگر مبنا را معنای متیقن قمار که مشهور هم هست قرار بدهیم این بحث در شرط کردن وثیقه ملحوظ است و مستقلاً مطرح نمی‌شود.

۴. در مورد ابزار و آلات خاص هم باید گفت فتاوای ذکر شده در مورد قمار دانستن برخی معاملات و عقود، نشان می‌دهد ابزار و آلات خاص مشهور به قمار یا به طور کلی ابزار و آلات رکن قمار نیست چرا که در این عقود ابزاری وجود ندارد و تنها عقد صورت قمار دارد. (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۲۱۲؛ محقق ثانی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۳۳۳؛ بجنوردی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۲۴۷؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۱۶۰؛ منتظری، بی تا، ج ۳، ص ۲۲۱)

۵. عنصر مخاطره که فقها عموماً آن را به صورت مستقل مطرح نکرده‌اند، مبتنی بر نظر شهید صدر ره دلیل تحریم قمار است. (صدر، ترجمه ع. اسپهبدی، ۱۳۴۹، ج ۲، ص ۲۴۶ به بعد) این که فقها مستقلاً به آن اشاره نکرده‌اند (هر چند در تعاریف متعدد لغوی و اصطلاحی به آن اشاره شده است) می‌تواند به دلیل مفروض بودن عنصر خطر و مخاطره

در عمل قماری باشد. این امر از تأکید بر برد و باخت و همراهی در تعریف مشهور قمار قابل برداشت است. در واقع خاطره همان امکان برد و باخت است.

بنابر مطالب فوق، در تعریف قمار از بین همه عناصر، احتمال رکن بودن عنصر وثیقه و مخاطره بسیار بیشتر از عناصر دیگر است. در صورتی که بحث را در فضای اعمال حقوقی و قراردادهای دنبال کنیم، به دلیل اصل بودن وجود عوض در مصادیق آن، رکن مخاطره می‌تواند تنها علامت قمار بودن یک عقد یا عمل حقوقی باشد. در نتیجه با توجه به این‌که: ۱. اغلب مصادیق قمار همراه با وثیقه هستند ۲. قدر متیقن قمار، قمار با وثیقه است؛ عنصر مخاطره نقش پررنگ‌تری در تشخیص عمل قمار از غیر قمار خواهد داشت.

از منظر حقوقی، باید گفت در قانون تعریف خاصی از قمار صورت نگرفته و تنها در ماده ۶۵۴ قانون مدنی تنها به بطلان قمار و گرو بندی و دعاوی راجع به آن اشاره شده است. حقوق‌دانان نیز تعابیر مختلفی از قمار داشته‌اند که عموماً مبتنی بر تعاریف ذکر شده در فقه است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۲۹۴۷؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۷۹، ص ۳۵۲؛ کاتوزیان، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۲۷۷؛ امامی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۲۱۰) در جمع‌بندی دکترین حقوق‌دانان باید گفت که از میان عناصر ذکر شده برای قمار، سه عنصر «وجود بازی، امکان برد و باخت و وجود عوض» مورد اتفاق هستند و دو عنصر «مال بودن عوض و وجود یا عدم وجود آلات مخصوص قمار» اختلافی هستند. به نظر می‌رسد می‌توان جمع‌بندی ارائه شده در فقه را در این‌جا نیز ملاک قرار داد، به این دلیل که از طرفی، شبیه همین اختلافات در میان فقها نیز وجود داشت، و از سوی دیگر در صورت سکوت قانون، باید به تعریف فقهی قمار مراجعه نمود.

۱. ۱. ۳. عنوان یا حکم قمار

نکته مهمی که لازم است به آن اشاره شود، آن است که آیا عدم امکان شناسایی برخی اعمال در قالب قمار، لزوماً به تفاوت حکم آن اعمال با قمار می‌انجامد؟ جواب منفی است. در

واقع ممکن است موردی را به وضوح نتوان از مصادیق قمار دانست اما به لحاظ حکمی در حکم قمار باشد. نمونه این امر در بیان برخی وجود دارد. (امام خمینی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۹۸۲) این نکته می‌تواند در مواردی که مشکوک به قمار بوده اما نتوان صراحتاً حکم به قمار بودن آن‌ها کرد به کار بیاید و امکان تحریم آن‌ها بدون قمار نامیده شدن وجود خواهد داشت.

۲. بخت‌آزمایی

یکی از مصادیق احتمالی قمار، فعالیت‌هایی است که به بخت‌آزمایی معروف شده‌اند. شباهت کلی این فعالیت‌ها به اعمال قمار، امکان سود یا ضرر به طور هم‌زمان یا به عبارت دیگر وجود بخت و احتمال به عنوان مبنای کسب است. سابقه تاریخی از بحث بیشتر به قرن گذشته بر می‌گردد و به نظر می‌رسد، روز به روز در دنیا عمومی‌تر و رایج‌تر شده است. بخت‌آزمایی به حدی در برخی جوامع و در بعضی موارد در سطح بین‌المللی نهادینه شده است که قواعد و مقررات خاصی برای آن وضع شده است. بنابراین، به نظر می‌رسد با گستردگی و شیوع بخت‌آزمایی و احتمال صدق عنوان یا حکم قمار بر آن، ضرورت دارد ابعاد مختلف آن مورد بررسی قرار بگیرد.

۲.۱. بخت‌آزمایی در لغت

فرهنگ‌های فارسی بخت‌آزمایی را به طور عام به معنای آزمودن بخت و امتحان و آزمایش بخت و اقبال کسی، بلیط، بنگاه و ابزار بخت‌آزمایی و معنای خاص و اصطلاحی آن را معادل لاتار دانسته‌اند. (دهخدا، ۱۳۷۲، ص ۳۸۰۸؛ معین، ۱۳۶۲؛ فرهنگ عمید، ۱۳۸۹، ص ۲۵۷) از آنجایی که همه منابع ذکر شده لوتو، لاتار یا لاتاری^۱ را معادل بخت‌آزمایی دانسته‌اند، ذکر معنای آن هم مفید خواهد بود. لاتاری راهی برای افزایش سرمایه برای دولت

1. Lottery (En)- Loterie (Fr)

یا مؤسسات خیریه و ... از طریق فروش بلیط است که در نهایت به خریداران جوایزی به قید قرعه داده می‌شود. (*Oxford Advance Learner's Dictionary*, 2005, p.912;)
(*Larousse de Poche*, 1995, p.393; *Le Robert Micro Poche*, 1988, 11
البته لاتاری اغلب موارد به صورت غیر قانونی و در باشگاه‌های خصوصی انجام می‌شود.
(*Oxford Dictionary of Law*, 1994, p.238) مفهوم لاتاری رابطه بسیار نزدیکی با
شانس و اقبال دارد. (*The Oxford Companion to Law*, 2008, 1039
1980, p.788) از عناصر ذاتی لاتاری می‌توان به پیش‌پرداخت یا وثیقه (خرید بلیط)،
جایزه، شانس و وسیله و روش (مانند قرعه‌کشی) برای تعیین برنده اشاره کرد. (*Black's*
Law Dictionary, 1992, p.947

بنابر مطالب ذکر شده، بخت‌آزمایی به معنای عام آزمودن بخت و معنای خاص یک
سری عملیاتی که منجر به برنده یا بازنده شدن شخص یا اشخاص خاصی می‌شود، ذکر
شده است.

۲.۲. معنای اصطلاحی بخت‌آزمایی

برخی فرهنگ‌های فقهی بخت‌آزمایی را به‌طور کلی به دادوستد تعبیر کرده و پنج قسم
بخت‌آزمایی احصا کرده‌اند:

۱. معنای متداول بخت‌آزمایی: پرداخت مبلغی مشخص در قبال برگه‌ای (بلیط بخت
آزمایی) به شرکت یا مؤسسه‌ای به امید کسب جایزه از طریق قرعه‌کشی؛ ۲. دادن پول به
انگیزه‌ی برنده شدن در قرعه‌کشی بدون خرید و فروش برگه (برگه تنها به عنوان سند و وثیقه
برای اثبات مشارکت است)؛ ۳. کمک به امور خیریه مانند ساختن بیمارستان و اخذ برگه-
های مؤید کمک جهت دادن جایزه از طریق قرعه‌کشی به منظور تشویق در مشارکت
مردمی. ۴. دادن پول به عنوان قرض به شرکتی با هدف اخذ جایزه از طریق قرعه‌کشی علاوه
بر بازپرداخت مبلغ دریافتی؛ ۵. پرداخت مبلغ از سوی شرکت‌کنندگان به عنوان رهن و

گروگذاری با انگیزه مالک مجموع مبالغ شدن فرد (افراد) برنده در قرعه‌کشی. (جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۶۹)

برخی از حقوق‌دانان شبیه به معنای اول ذکر شده را مورد تأکید قرار داده‌اند و بخت‌آزمایی را قراردادی دانسته‌اند که به عموم پیشنهاد می‌شود و خرید بلیط یا پرداخت منزله قبول قرارداد است، در پایان هم مبلغ معینی به اشخاصی که بر مبنای استقراع یا نظام ویژه دیگر برنده می‌شوند، مال یا امتیازی داده خواهد شد (کاتوزیان، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۲۷۹؛ امامی، بی تا، ج ۲، ص ۲۱۱) و وجه ممیزه بخت‌آزمایی از قمار را نقش و مهارت شرکت کننده، دانسته‌اند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۸۱۷) برخی هم علاوه بر نکات فوق، بخت‌آزمایی را به دو نوع معوض - شامل همه موارد فوق - و غیر معوض - مثلاً اهدای هدیه به برخی شرکت‌کنندگان در یک جشن از طریق قرعه‌کشی - تقسیم نموده‌اند. (حلی، ترجمه مردانی پور، ۱۳۷۴، ص ۱۷)

۳. ۲. عناصر و ارکان بخت‌آزمایی

بر اساس تعاریف فوق به نظر می‌رسد بسته به این که چه عنصر یا عناصری را رکن آن بدانیم، ممکن است تعاریف مختلفی برای بخت‌آزمایی برسیم. در واقع نیت طرفین، وجود یا عدم وجود عوض، قالب و شیوه اجرای بخت‌آزمایی و وجود یا عدم وجود شخص حقوقی به عنوان متولی بخت‌آزمایی، عناصری هستند که می‌توانند انواع آن را ایجاد نمایند. در این بین البته عنصر ثابت، همان عنصر مخاطره و احتمال است. در ادامه به عناصر متغیر می‌پردازیم تا محدوده بخت‌آزمایی اصطلاحی معلوم شود:

الف - نیت طرفین: این که طرفین به نیت بردن جایزه و کسب سود مبلغ یا کالایی را می‌دهند یا به نیت خیرخواهانه و ... می‌تواند موضوع و حکم را تغییر دهد. در واقع ممکن است وثیقه‌گذارنده، مال خود را برای کمک به امور عام‌المنفعه به وثیقه بگذارد و هدفش

شرکت در قرعه‌کشی و کسب جایزه نباشد. بر اساس نیت و انگیزه طرفین، عمل اعطای وثیقه یا کمک را می‌توان دو قسم کلی دانست و برای قسم دوم نیز اقسامی فرض کرد:

۱. به وثیقه‌گذارند مال، صرفاً با نیت کسب جایزه تعیین شده است. ۲. به وثیقه‌گذارند مال، به نیتی غیر از صرف کسب جایزه باشد مانند کمک به اموری خیر، که خود دو دسته است: الف- شرط قرارداد، برگزاری قرعه‌کشی یا ابزاری مشابه آن برای دادن جایزه است. ب- در قرارداد شرطی برای برگزاری قرعه‌کشی یا ابزاری مشابه آن برای دادن جایزه وجود ندارد و برگزارکننده به انگیزه‌های مختلف از جمله تشویق شرکت‌کنندگان، خود مبادرت به این کار می‌کند. این حالت خود نیز در دو فرض قابل تصور است: یکی این‌که جایزه از وثیقه‌های اعطایی پرداخت شود و دیگر این‌که تأمین جایزه از محل دیگری باشد.

ب- وجود یا عدم وجود عوض: برخی در تعریف بخت‌آزمایی حالتی را هم که عوضی در کار نیست و تنها از طریق قرعه یا روش مشابه، هدیه‌ای به افرادی داده می‌شود، دانسته‌اند و مثال آن پخش اوراق بین افراد در یک جشن یا مناسبت است که در آن جابه‌جایی مال یک طرفه بوده و عوضی در کار نیست. (حلی، ترجمه مردانی‌پور، ۱۳۷۴، ص ۱۷)

مطرح کردن این فرض ذیل بخت‌آزمایی به دلیل وجود احتمال در اصل دارا شدن یا نشدن و یا در میزان دارا شدن است کما این‌که در همه حالات بخت‌آزمایی این احتمالات وجود دارد. بر این اساس بخت‌آزمایی ممکن است معوض یا غیر معوض باشد و بخت-آزمایی معوض هم ممکن است هر یک از حالات ذکر شده ذیل نیت را در بر بگیرد.

ج- قالب و شیوه اجرای بخت‌آزمایی: در تعاریف آورده شده، قالب‌ها و شیوه‌های مختلفی برای اجرای بخت‌آزمایی ذکر شده است. قالب‌های ذکر شده عبارت‌اند از: عقد قرض، عقد بیع، عقد وکالت و یا خود عقد بخت‌آزمایی به طور مستقل. شیوه‌های ذکر شده هم شامل خرید بلیط و نیز پرداخت مال بدون خرید بلیط و شاید با گرفتن برگه‌ای به عنوان حق شرکت در قرعه‌کشی می‌شود. بر این اساس اقسام مختلف بخت‌آزمایی عبارتند از:

۱. بخت‌آزمایی در قالب قرض (از طریق خرید بلیط یا پرداخت مال)، که توضیح آن گذشت؛ ۲. بخت‌آزمایی در قالب بیع (از طریق خرید بلیط یا پرداخت مال): در این فرض شخصی که مالک مال معینی است، مثلاً ماشین، بر اساس ارزش مال، تعدادی سهم تعریف می‌کند که مجموع آن‌ها برابر با قیمت مال است و هر یک از این سهم‌ها نماینده حق حضور در قرعه‌کشی‌ای است که جایزه آن همان مال، ماشین است. ۳. بخت‌آزمایی در قالب وکالت (از طریق خرید بلیط یا پرداخت مال): در این فرض، شخص با گذاشتن وثیقه در نظر دارد به اموری کمک کند اما مال هم از مالکیت وی خارج نشود تا موقعی که مستهلک شود. در واقع شخص به گیرندگان مال وکالت داده است تا آن را در امور خاصی صرف کنند. برخی دو فرض اخیر را ذکر کرده‌اند. (حلی، ترجمه مردانی‌پور، ۱۳۷۴، صص ۲۰ و ۲۱)؛ ۴. بخت‌آزمایی به صورت مستقل (از طریق خرید بلیط یا پرداخت مال): این فرض همان قالب رایج بخت‌آزمایی است که در ظاهر مرکب با عقد دیگری نیست. این نوع از بخت‌آزمایی را می‌توانیم «بخت‌آزمایی به معنای خاص» تلقی کنیم.

د- وجود یا عدم وجود شخص حقوقی به عنوان متولی بخت‌آزمایی: ممکن است شخص حقوقی، شرکت، مؤسسه و... تولی برگزاری بخت‌آزمایی باشد و یا این‌که این امر توسط مشارکت اشخاص بدون وجود شخص حقوقی برگزارکننده انجام شود. البته ممکن است به‌طور کلی این تقسیم‌بندی تفاوت حکمی ایجاد نکند اما از حیث آثار بعدی بخت-آزمایی و تعیین تکلیف اموال مربوطه می‌تواند مؤثر باشد. بنابراین بر اساس این‌که برگزارکننده چه شخصی باشد دو قسم وجود دارد:

۱. بخت‌آزمایی را شخص حقوقی (نماینده حاکمیت یا شخص خصوصی) برگزار نماید. این‌که شخص حقوقی نماینده حاکم باشد یا نه، خود می‌تواند دارای اثر باشد و دو قسم جداگانه را تشکیل دهد که این‌که برخی فرضی را مطرح کرده‌اند که شخص مالی را به عنوان صدقه در اختیار قرار دهد که آن را صرف در امور مختلف کنند تا مستهلک شود که شخص حقوقی گیرنده مال را نیازمند اذن حاکم شرع دانسته‌اند. (حلی، ترجمه مردانی‌پور،

۱۳۷۴، ص ۲۱) ۲. بخت آزمایی را خود اشخاص حقیقی مشارکت کننده به طریق مورد توافق برگزار نمایند.

تا این جا عناصری که ممکن است از قسمی به قسم دیگر تفاوت کند را ذکر کردیم و مقتضی است در ادامه به حکم این موارد بر اساس چارچوب مفهومی که از قمار ترسیم کردیم پردازیم.

۳. نسبت بخت آزمایی با قرعه

از آنجا که قرعه و بخت آزمایی در عنصر «احتمالی بودن» تشابه دارند و بعضی میان این دو مفهوم خلط کرده و قرعه را همان بخت آزمایی و لاتاری معرفی نموده اند. (البلبکی، ۲۰۰۲م، ص ۱۷۶۰) لذا لازم است برای دفع دخل مقدر به طور مختصر به مفهوم قرعه و بیان وجوه ممیزه آن از بخت آزمایی پردازیم.

قرعه در لغت به معنای بیم و در واقع حاکی از ترس شرکت کننده به اصابت یا عدم اصابت است. (نراقی، ۱۴۱۷ق، ص ۶۶۸؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۲۹۰۶) قرعه یک قاعده عقلایی است که شارع آن را امضا کرده (قمی، ۱۴۲۰ق، ص ۳۰) و کاربرد آن در جایی است که هیچ راه شرعی و عقلی برای تمیز حق وجود ندارد و برای فصل خصومت به قرعه متوسل می شوند. قاعده قرعه به لحاظ اصولی در ردیف فرض قانونی یا اصول عملیه قرار می گیرد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۲۹۰۶) به عبارت دیگر وقتی به قرعه مراجعه می کنیم که راه حل دیگری وجود نداشته باشد. بنا به عموم قاعده «القرعه لکل أمر مشکل» و با توجه به این که مبنای قاعده، مبنای عقلایی است، استعمال قرعه حصری و محدود به موارد مذکور در فقه و قانون نیست. (محمد حسین فضل الله، ۱۴۱۷ق، ص ۱۸) بعضاً پیش می آید که واقعی در میان بوده ولی مجهول شده و به طور فرضی با استقراع (قرعه اعلامی؛ مثال: ماده ۱۵۷ ق.م.) به واقع دست پیدا می کنیم اما گاه

واقعی در میان نبوده و چیزی هم مجهول نشده بلکه واقع از راه قرعه (قرعه تأسیسی؛ مثال ماده ۵۹۸ ق.م.ا.ج) بدست می‌آید. (قمی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۲)

در بیان تفاوت بین قاعده قرعه و بخت‌آزمایی باید گفت هر چند که بخت‌آزمایی ممکن است به روش قرعه‌کشی انجام شود، اما این با قاعده قرعه مشهور در فقه متفاوت است و هیچ کدام از عناصر بخت‌آزمایی، نظیر مخاطره مالباختگی به دلیل وجود وثیقه اولیه در آن دیده نمی‌شود. در واقع هدف از قاعده قرعه خروج از تحیر در مواقعی است که برای تشخیص حق هیچ راهی نیست، حال آن‌که هدف از بخت‌آزمایی تفریح یا افزایش سرمایه است.

۴. نسبت بخت‌آزمایی و قمار

عده‌ای از صاحب نظران به دلیل غرری بودن (امامی، بی تا، ج ۲، ص ۲۱۲؛ طاهری، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۳۹۰) حکم به بطلان بخت‌آزمایی داده‌اند، هر چند که عده‌ای دیگر برای اثبات بطلان بخت‌آزمایی شباهت زیاد آن به قمار را کافی دانسته‌اند و در حکم دادن به بطلان، نیازی به استناد به غرری بودن ندانسته‌اند. (کاتوزیان، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۲۷۹) در ادامه هر یک از مصادیق پیش گفته بخت‌آزمایی را بر اساس معنای گفته شده برای هر یک و نیز قمار، مورد بررسی قرار داده تا وضعیت حقوقی هر یک را مشخص کنیم.

۴.۱. بررسی جزئی مصادیق بخت‌آزمایی

۴.۱.۱. بخت‌آزمایی غیر معوض

در این مورد عوضی در کار نیست و تنها از طریق قرعه یا روش مشابه، به مناسبتی مانند جشن و... هدیه‌ای به افرادی داده می‌شود. این حالت با حالت مرسوم بخت‌آزمایی که افراد برنده خود مال یا پولی را پرداخت می‌کنند متفاوت است و همان‌طور که برخی تصریح

کرده‌اند ایرادی به آن وارد نیست. (حلی، ترجمه مردانی‌پور، ۱۳۷۴، ص ۲۱) در واقع این حالت، شبیه هبه است که از سوی شخص یا اشخاصی به دیگران اعطا می‌شود. در صورتی که اعطاکنندگان جایزه خود در قرعه‌کشی شرکت داشته باشند، دو فرض مطرح است:

الف- مال متعلق به یک شخص بوده و خود هم در قرعه‌کشی حضور دارد: در این حالت به نظر می‌رسد شخص قصد هبه مال را دارد و حتی اگر خود برنده شود، جابه‌جایی مال به وجود نیامده است و مال به خود صاحب مال رسیده است. در واقع در حالتی که اعطای جایزه یا هدیه از سوی شخصی به اشخاص دیگری است و یا این‌که خود اعطاکننده برنده جایزه است، نه مالباختگی وجود دارد و نه صورت عرفی آن شبیه قمار است چون وثیقه‌ای از سوی برندگان در کار نیست و نیز صورت عرفی هبه در آن وجود دارد و یا لااقل اباحه در تصرف است. در مثل این حالت که ماهیت قرعه‌کشی به لحاظ هدف یا به لحاظ دیگری تغییر کرده باشد، می‌توان آن را غیر از بخت‌آزمایی دانست هر چند ممکن است در فروض مختلف از منظری غیر از بخت‌آزمایی ممنوعیتی به آن تعلق بگیرد.

ب- مال متعلق به چند شخص بوده و برخی یا همه در قرعه‌کشی شرکت دارند: در این حالت نظر این‌که اضافه کردن عده‌ای به جمع شرکت‌کنندگان، محمولی است برای اجرای بخت‌آزمایی به بهانه تغییر ظاهری آن یا این‌که هم به لحاظ اجرا هم به لحاظ هدف و انگیزه، چیزی غیر از بخت‌آزمایی است و تنها وثیق‌گذارندگان به جمع اضافه شده‌اند، اوضاع تفاوت می‌کند. در واقع اگر به حسب ظاهر عده‌ای به دنبال روی هم گذاشتن مال برای قرعه‌کشی میان خود هستند و تنها عده دیگری را به صورت رایگان اضافه کرده‌اند، به نظر نمی‌رسد تغییر ماهوی اتفاق افتاده باشد چون هم هدف و هم قالب، که قرعه‌کشی است و هم نتیجه، که ممکن است کسب مال دیگران باشد، و هم انگیزه، که به راه انداختن یک قرعه‌کشی تمام عیار است، همانند بخت‌آزمایی است، لذا صورت عرفی قرارداد قمار و

نیز مالباختگی می‌تواند صدق کند و عقد از حیث قماری بودن محل ایراد و اشکال خواهد بود.

۴. ۱. ۲. بخت‌آزمایی به انگیزه کمک به اموری خاص

عده‌ای حقوق‌دانان با این‌که بخت‌آزمایی را در حکم قمار دانسته و قائل به غرری بودن و بطلان آن شده‌اند، در مورد جواز بخت‌آزمایی در موارد خاص مانند کمک به امور خیریه، اجازه مقامات یا قانون خاص را مجوزی برای آن دانسته‌اند. (امامی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۱۲) همان‌طور که سابقاً بیان شد این حالت خود در دو فرض قابل بررسی است:

الف- اعطای کمک به امور، مشروط به برگزاری قرعه‌کشی یا طریق مشابهی برای اعطای جایزه نباشد. در این حالت، انگیزه افراد از در اختیار قراردادن مال خود، کمک به انجام اموری است و به دنبال کسب سود نیستند. بنابراین صورت عرفی عمل صورت گرفته نه به قمار شباهتی دارد و نه مالباختگی در میان است. در صورتی هم که قرعه‌کشی صورت بگیرد و جایزه‌ای به کسی داده شود، این قرعه‌کشی ارتباطی به اصل قرارداد مربوطه نداشته و متولیان امر مربوطه خود جهت تشویق اشخاص کمک‌کننده به این امور با قرعه‌کشی مبادرت نموده‌اند، هر چند این مطلب که جایزه‌ی در نظر گرفته شده از محل کمک به امور مربوطه باشد یا از محل دیگری می‌تواند مورد بحث قرار بگیرد اما در صورتی هم که جایزه از محل کمک‌ها در نظر گرفته شده باشد، به همان دلایلی که گفته شد از جهت قمارری بودن خدشه‌ای به اصل عملیات صورت گرفته وارد نمی‌کند. عده از حقوق‌دانان و فقهای معاصر در مورد کمک‌های بالا عوض به سازمان‌های مثل بهزیستی که با نیت شرط‌بندی همراه نیستند جایزه صرفاً جنبه تشویقی دارد، حکم به جواز داده‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۲۳۷؛ امام خمینی، ۱۴۲۶ق، ص ۶۱۳؛ امامی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۱۲؛ کاتوزیان، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۲۸۰؛ طاهری، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۳۹۲؛ محقق داماد، ۱۳۹۳، ص ۱۹۲؛ مدنی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۸)

ب- اعطای کمک به امور، مشروط به قرعه‌کشی یا طریق مشابهی برای اعطای جایزه باشد. در این حالت، انگیزه ترکیبی است از کمک به امور خاص و برنده شدن در قرعه‌کشی. هر چند قرعه‌کشی به عنوان شرط قرارداد آمده است اما حاکی از نیت و انگیزه طرفین بوده و تمام یا بخشی از نیت را دربرمی‌گیرد و این مسأله می‌تواند موجب خدشه در عمل صورت گرفته باشد. برخی از فتاوا به این شرط‌بندی اشاره کرده‌اند و آن را جایز نشمرده‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۲۳۷) شاید بتوان این عدم جواز را به باطل و مبطل بودن شرط و یا شباهت صورت عرفی قرارداد منعقد به قمار برگرداند چرا که در این جا هم وقتی فرد به نیت برنده شدن شرکت می‌کند، مخاطره آن قدر بالاست که می‌تواند شخص مذکور را در معرض مالباختگی قرار دهد.

۴. ۱. ۳. بخت آزمایی در قالب قرض

این فرض بدین صورت است که شخص، مبلغ پرداختی در قبال اوراق را به شرکت قرض می‌دهد (The Oxford Companion to Law, 1980, p.788) و شرکت برگزارکننده قرعه‌کشی متعهد می‌شود علاوه بر بازپرداخت مبلغ دریافتی، با انجام دادن قرعه‌کشی در صورت اصابت قرعه به نام او مبلغی را به عنوان جایزه به وی بپردازد. واضح است در این حالت به این دلیل که مالباختگی رخ نمی‌دهد و مخاطره‌ای در کار نیست، بعید است عنوان قمار بر آن صدق کند. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اما آنچه به عنوان جایزه ممکن است به شخص برسد توسط برخی، مصداق قرض ربوی دانسته شده است. (جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۷۰) البته فرضی که انجام قرعه‌کشی شرط نمی‌شود و قرعه‌کشی مسأله‌ای فرعی باشد که خود مؤسسه برای جلب مشتریان مانند قرعه‌کشی حساب‌های قرض الحسنه در بانک) و تشویق مخاطبان (مانند امور خیریه) اقدام به آن می‌نماید، به این دلیل که هیچ کدام از عناصر قمار موجود نیستند (امامی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۱۲؛ کاتوزیان، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۲۸۰؛

طاهری، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۳۹۲؛ محقق داماد، ۱۳۹۳، ص ۱۹۲؛ مدنی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۸) و از آنجا که دادن جایزه هم شرط نشده و ربوی بودن آن هم بعید است، جواز آن صحیح‌تر به نظر می‌رسد.

۴.۱.۴. بخت‌آزمایی در قالب بیع

همان‌طور که سابقاً بیان شد، در این حالت شخص مالی را به عنوان جایزه بخت‌آزمایی قرار می‌دهد و ثمن آن را از طریق حق شرکت اشخاص دیگر در بخت‌آزمایی قرار می‌دهد. در واقع در این حالت گویی همه اشخاص شرکت‌کننده در این بخت‌آزمایی به صورت دسته-جمعی مال مورد نظر را خریداری کرده‌اند اما تنها یک یا چند نفر از ایشان مالک آن شده‌اند. لذا به دلیل عدم تناسب عقد مذکور با عقد بیع مرسوم و تعریف شده در قانون و مخاطره‌ای که در این قرارداد وجود دارد (اشخاصی مطمئناً مالباخته خواهند بود)، عقد مذکور می‌تواند قماری و باطل محسوب شود.

۴.۱.۵. بخت‌آزمایی در قالب وکالت

در این فرض، شخص با گذاشتن وثیقه در نظر دارد به اموری کمک کند اما مال هم از مالکیت وی خارج نشود تا موقعی که مستهلک شود. در واقع شخص به گیرندگان مال وکالت داده است تا آن را در امور خاصی به کار گیرند. در این حالت به این دلیل که مال از مالکیت شخص خارج نمی‌شود، امکان مالباختگی وجود ندارد و صورت عرفی آن هم همان وکالت بوده و مخدوش نیست، بنابراین نمی‌توان اصل قرارداد را قمار دانست. اما در مورد قرعه‌کشی و جایزه‌ای که ممکن است به شخص داده شود، می‌توان شرایط مختلف را متصور شد. در واقع همان فروضی که در مورد صرف مال در کمک به امور خاص مطرح شد در این جا هم وجود دارد.

۶.۱.۴. بخت آزمایی به معنای خاص

بخت آزمایی به معنای خاص، یا همان قالب رایج بخت آزمایی حالتی است که اشخاص متعدد هر یک مالی را پرداخت می نمایند و بعد از قرعه کشی یا طریقی دیگر مانند برد و باخت و ...، جوایز به یک یا برخی از اشخاص داده می شود. در بخت آزمایی به معنای خاص مانند بعضی از قمارها که تصادف در آنها برنده را تعیین می کند و مهارت و بازیکن تأثیری در نتیجه ندارد و او فقط در قمار شرکت می کند، شخص فقط در حد خرید بلیط دخالت دارد. تنها تفاوت بخت آزمایی با شرکت در قمار، تعداد شرکت کنندگان است. (امامی، بی تا، ج ۲، ص ۲۱۲)

بر اساس فتاوی فقهای متأخر تردیدی، لااقل از نظر مشهور، در حرمت و بطلان بخت آزمایی به معنای مرسوم و توضیح داده شده شکی وجود ندارد، (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۲۳۶؛ امام خمینی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۹۸۲؛ امام خمینی، ۱۴۲۶ق، ص ۶۱۲؛ سیستمی، پایگاه اطلاع رسانی و جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۷۰) حقوق دانان هم این نظر را تأیید می کنند. (امامی، بی تا، ج ۲، ص ۲۱۲؛ طاهری، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۳۹۰؛ کاتوزیان، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۲۷۹ به بعد) هر چند برخی در تحلیل شاذ فقهی قائل به جواز آن شده اند. (حلی، ترجمه مردانی پور، ۱۳۷۴، صص ۱۶-۳۱) تنها بحثی که باقی می ماند جهت بطلان بخت آزمایی به معنای رایج است.

۲.۴. جهت بطلان بخت آزمایی

پس از بیان قول مشهور بر بطلان بخت آزمایی، بحث بر سر جهت بطلان باقی می ماند. آن - چه از اقوال فقهی و حقوقی حاصل می شود سه جهت برای بطلان است: قماری بودن، غرری بودن، اکل مال به باطل بودن.

بر اساس تعریف صورت گرفته از قمار می توانیم بخت آزمایی را به این صورت با قمار تطبیق دهیم که: اولاً در بخت آزمایی به معنای خاص اشخاص مالی را می پردازند و معلوم

نیست که چیزی نصیب آن‌ها شود و این همان معنای مخاطره و امکان مالباختگی قرین با قمار است؛ ثانیاً در بخت‌آزمایی به معنای خاص، صورت عرفی آن عقد یا داد و ستد نبوده و نوعی عملیات خاص به قصد کسب سود است نه معامله و قرارداد مالی؛ در نتیجه بخت-آزمایی مشخصات اصلی قمار را دارد و شاید بتوان آن را همان‌طور که برخی تصریح کرده- اند، نوعی قمار دانست.

حال مختصری به تحلیل‌ها و جهات دیگر می‌پردازیم:

الف- ادعای غرری بودن بخت‌آزمایی: برخی بخت‌آزمایی را به لحاظ غرری بودن باطل دانسته‌اند. (امامی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۱۲) برخی دیگر هم، هم‌زمان عنوان غرر و عنوان قمار را در مورد بخت‌آزمایی قابل طرح دانسته‌اند. (طاهری، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۳۹۰) غرری دانستن بخت‌آزمایی از سوی برخی، شاید به دلیل عدم ترسیم دقیق نسبت غرر و قمار باشد. در واقع ما بین غرر و قمار مرزی را ترسیم کردیم که مصداق مشترکی نداشته باشند. هم‌چنین قمار را در برخی موارد فاقد صورت عرفی عقد دانستیم که در این موارد نوبت به بررسی شرایط صحت قرارداد و غرر نمی‌رسد. بر این اساس و با توجه به تطبیق شرایط قمار و بخت‌آزمایی، که ذکر آن رفت، به نظر می‌رسد این تحلیل ناصواب باشد.

ب- ادعای اکل مال به باطل بودن بخت‌آزمایی: برخی از تقریراتی که از درس امام خمینی ره رسیده است، خرید و فروش بلیط بخت‌آزمایی، به دلیل صدق عنوان کلی اکل مال به باطل، حرام دانسته شده است، هر چند این حرمت بر خود بلیط تعلق نگرفته است. (مجله فقه اهل بیت علیهم السلام، ج ۲، ص ۲۵۵)

در واقع ایشان بخت‌آزمایی را موضوعاً قمار نمی‌دانند اما آن را در حکم قمار فرض کرده‌اند. عیناً استدلال ایشان را نقل می‌کنیم: «۱. بیرون رفتن بلیط بخت‌آزمایی از موضوع قمار، از آن روست که فهم عرفی از واژه قمار، در ظرف اطلاق آن، عبارت است از بازی با ابزار برد و باخت، با شرط‌بندی ... ۲. وارد شدن بلیط بخت‌آزمایی در حکم قمار، از آن

روست که خرید و فروش آن از نمونه‌های "اکل مال به باطل" است که در قرآن کریم از آن پرهیز داده شده است». (مجله فقه اهل بیت علیهم السلام، ج ۲، ص ۲۵۲)

به نظر می‌رسد این تحلیل با معنایی که تا به حال از قمار بیان کردیم بدین صورت قابل خدشه باشد: اولاً اگر تلقی عرف از قمار بازی با آلات خاصی است_ در صورتی که آن را بپذیریم_ می‌تواند به دلیل اغلیت موارد قمار باشد و به معنای نفی قمار بودن موارد دیگر نیست و ممکن است برخی فرآیند بخت‌آزمایی را به دلیل شانسی و احتمالی بودن، قمار بدانند چنانچه در استنادات فقهی و حقوقی مورد اشاره قرار گرفت. هم‌چنین فتاوی‌ای که در بخش نخست در مورد قمار بودن برخی اعمال و معاملات ذکر شد، حاکی از آن است که لااقل از منظر فتاوی‌ای مذکور، فهم عرفی از قمار صرفاً معنای ذکر شده نیست و می‌تواند توسعه پیدا کند. ثانیاً همین‌که بخت‌آزمایی در حکم قمار دانسته شده است نشان از نزدیکی آن به قمار از سوی حضرت امام(ره) دارد. در واقع استناد به اکل مال به باطل می‌توانست خرید و فروش بلیط بخت‌آزمایی را حرام بگرداند و شاید بتوان گفت استدلال تام و تمام بود و نیازی به قرار دادن آن در حکم قمار نبود. در نتیجه انتخاب قمار از موارد اکل مال به باطل خود دلیل بر این است که لااقل حضرت امام(ره) بین بخت‌آزمایی و قمار قرابت را فرض کرده‌اند چنانچه در جای دیگری برگه‌های بخت‌آزمایی را هم در حکم آلات قمار دانسته- اند: «برگه‌های بخت‌آزمایی، مالیت ندارند و این اوراق در حکم آلت قمار هستند بنا براین خرید و فروش آن‌ها جایز نیست و مبلغی را هم که برندگان قرعه‌کشی این برگه‌ها دریافت می‌کنند، حلال نیست.» (امام خمینی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۹۸۲)

هر چند در جای دیگری ایشان بیان داشته‌اند: «اما لازم است بدانیم این دلیل (اکل مال به باطل) ... شایستگی آن را ندارد که دلالت بر حرام بودن بلیط بخت‌آزمایی بکند» اما در این جا برگه‌های بخت‌آزمایی در حکم آلات قمار دانسته شده‌اند. در صورتی که تفاوت بین این دو فتوا را بپذیریم، شاید بتوان آن را از جهت تطور در تحلیل فقهی یا موضوعی حضرت امام(ره) در مورد این مسأله دانست.

در هر حال، علی‌رغم تفاوتی که حضرت امام(ره) بین قمار و بخت‌آزمایی از جهت موضوعی قائل هستند، چارچوبی که در این پژوهش بر اساس اقوال ایشان و عموم فقیهان به دست آمد، بخت‌آزمایی را یک مصداق قمار می‌داند، هر چند که حتی اگر بخواهیم احتیاط کرده و آن را در حکم قمار بدانیم، معامله قمار را با آن خواهیم کرد و از جهت حکم اصلی، لاقلاً از منظر اغلب فقها و حقوق‌دانان، تفاوتی به وجود نخواهد آمد و آنچه در این پژوهش مهم است دانستن حکم کلی و اصلی بخت‌آزمایی است.

جمع‌بندی

از پژوهش حاضر نتایج زیر حاصل شد:

- احتمال رکن بودن عناصر وثیقه و مخاطره در قمار، بیشتر از عناصر دیگر است. هم‌چنین با توجه به این‌که: ۱- اغلب مصداق قمار_ لاقلاً در فضای قراردادی_ همراه با وثیقه هستند ۲- قدر متیقن قمار، قمار با وثیقه است؛ عنصر مخاطره نقش پررنگ‌تری در تشخیص عمل قمار از غیر قمار خواهد داشت.
- برخی از مصداق بخت‌آزمایی به معنای عام، بخت‌آزمایی غیر معوض جز در یک حالت، بخت‌آزمایی در قالب قرض و بخت‌آزمایی در قالب وکالت، را می‌توان از عنوان قمار خارج دانست، هر چند بررسی آن از جهات دیگر به جای خود باقی است.
- بخت‌آزمایی به معنای خاص، به دلیل وجود مخاطره و امکان مالباختگی و نیز این- که صورت عرفی آن عقد یا داد و ستد نبوده و نوعی عملیات خاص به قصد کسب سود است، می‌تواند قمار دانسته شود. در صورتی که در صدق عنوان قمار بر آن تردید داشته باشیم، لاقلاً می‌توان به شمول حکم قمار بر آن قائل بود. مصداقی هم‌چون بخت‌آزمایی در قالب بیع نیز در حکم بخت‌آزمایی به معنای خاص دانسته شد.
- بخت‌آزمایی غیر معوض در حالتی که مال متعلق به چند شخص بوده و برخی یا همه در قرعه‌کشی شرکت دارند و بخت‌آزمایی به انگیزه کمک به اموری خاص در حالتی که

اعطای کمک به امور، مشروط به قرعه‌کشی یا طریق مشابهی برای اعطای جایزه باشد، به لحاظ قماری بودن محل بحث بوده و ممکن است قمار یا در حکم قمار محسوب شوند.

منابع

- امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، تهران، کتابفروشی اسلامیة، جلد دوم، ۱۳۷۳ش.
- البلعبکی، روحی، القاموس القانوني الثلاثي، الطبعة الاولى، لبنان، بیروت، المنشورات الحلبي الحقوقية، ۲۰۰۲م.
- همو، حقوق مدنی، ۶ جلد، تهران، ایران، انتشارات اسلامیة، بی تا، جلد دوم.
- آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ عربی-فارسی معاصر، تهران، نشر نی، ۱۳۸۶ش.
- بجنوردی، سید محمد بن حسن موسوی، قواعد فقهیه، چاپ سوم، جلد اول، تهران، مؤسسه عروج، ۱۴۰۱ق.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مجموعه محشی قانون مدنی، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۹ش.
- همو، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، چاپ اول، ج ۲ و ۴، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۸ش.
- حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تذکره الفقهاء (طبعة الحديثه)، چاپ اول، جلد دهم، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۴ق.
- حلی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، چاپ دوم، جلد چهارم، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
- دزفولی، مرتضی بن محمد امین انصاری، کتاب المکاسب المحرمة و البیع و النخیارات (ط - الحديثه)، چاپ اول، جلد اول، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ق.
- دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، چاپ اول، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ش.
- سماحه، سهیل حسیب، قاموس مبسوط، تهران، سبزخامه، ۱۳۸۳ش.
- صدر ره، شهید محمدباقر، ترجمه ع. اسپهبدی، جلد دوم، تهران، انتشارات برهان و مؤسسه انتشارات اسلامی، ۱۳۴۹ش.
- طاهری، حبیب الله، حقوق مدنی ۶ و ۷، ج ۴، چاپ اول، پاییز، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵ش.

- عاملی، کرکی، محقق ثانی، علی بن حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، چاپ دوم، جلد چهارم و هشتم، قم، مؤسسه آل‌ال‌بیت علیهم السلام، ۱۴۱۴ق.
- عبدالرحمان، محمود، معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهية، جلد دوم و سوم، بی‌جا، بی‌تا.
- عمید، حسن، فرهنگ عمید، چاپ اول، تهران، انتشارات اشجع، ۱۳۸۹ش.
- فضل‌الله، محمد حسین، القرعه و الاستخاره، لبنان، بیروت، دارالملک، ۱۴۱۷ق.
- قمی، حسین کریمی، قواعد فقهی، چاپ اول، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، ۱۴۲۰ق.
- کاتوزیان، ناصر، عقود معین، تهران، ج ۲، چاپ دوم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۶۸ش.
- کرم، عبد الواحد، معجم المصطلحات القانونیه، الطبعة الاولى، لبنان، بیروت، مكتبة النهضة العربية، ۱۴۰۷ق.
- محقق داماد، سید مصطفی، تحصیل نامشروع مال در حقوق اسلامی، چاپ اول، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۹۳ش.
- مدنی، سید جلال‌الدین، حقوق مدنی، ج ۵، پاییز تهران، انتشارات پایدار، ۱۳۸۶ش.
- معلوف، لوئیس، المنجد، تهران، نشر سپاس، ۱۳۶۴ش.
- معین، محمد، فرهنگ معین، چاپ ششم، تهران، چاپخانه سپهر، ۱۳۶۲ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، استفتائات جدید، چاپ دوم، جلد سوم، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۷ق.
- منتظری نجف‌آبادی، حسین علی، رساله استفتائات، چاپ اول، جلد سوم، قم، بی‌تا.
- همو، دراسات فی مکاسب المحرمة، چاپ اول، جلد دوم، قم، نشر تفکر، ۱۴۱۵ق.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله، مکاسب المحرمة، چاپ اول، جلد دوم، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۴۱۵ق.
- همو، توضیح المسائل (محشّی)، چاپ هشتم، جلد دوم، قم-ایران، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۴ق.
- همو، توضیح المسائل، چاپ اول، ۱۴۲۶ق.
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم، مکاسب (مصباح الفقاهه)، جلد اول، بی‌تا.
- نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، چاپ هفتم، جلد ۲۲، بیروت، لبنان، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.

نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام و مهمات مسائل الحلال و الحرام، چاپ اول، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۴۱۷ق.

Oxford Dictionary of Law, 5th, UK, Oxford University Press, 2003.

David M. Walker, *The Oxford Companion to Law*, New York, Oxford University Press, 1980.

Henry Campbell Black, M. A., *Black's Law Dictionary*, 6th Edition, United States of America, West Publishing Co., 1992.

Hornby, Albert Sydney, *Oxford Advance Learner's Dictionary of Current English*, 7th Edition, UK, Oxford University Press, 2005.

Larousse de Poche, *Dictionnaire des noms communs*, des noms Propres, Precis de grammaire. Paris, Larousse, 1995.

Rey, Alain, *Le Robert micro Poche: dictionnaire d'apprentissage de la langue Francaise*, Paris, Dictionnaires Le Robert, 1988.

Summers, Della, *Longman Dictionary of Contemporary English*, New York, Longman, 2008.

